

پژوهش نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 27, Autumn & Winter 2020/2021

شماره ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صص ۲۸۳-۳۱۶ (مقاله پژوهشی)

جستاری در نظریه فقرزدایی قرآن و روایات بر مبنای پژوهش زمینه‌ای

ابراهیم یاقوتی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۸/۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۹/۹)

چکیده

فقر به عنوان یکی از قدیمی‌ترین مسایل اجتماعی، توجه مردم، اندیشمندان و مکاتب بشری و دینی را به خود جلب کرده است. مکتب الهی اسلام نیز توجه ویژه‌ای به این پدیده اجتماعی نشان داده است. این پژوهش جستاری است در نظریه فقرزدایی قرآن و روایات که به شیوه پژوهش زمینه‌ای به انجام رسیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد از دیدگاه قرآن و روایات فقر یک پدیده نامطلوب اجتماعی است که با دلایل فردی و اجتماعی نیازمند مبارزه و تلاشی همه‌جانبه تلقی شده است. در نظریه فقرزدایی قرآن و روایات به دو دسته علت‌های فردی و اجتماعی در ایجاد فقر اشاره شده است. نظریه اسلام همچنین به شرایط زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گری می‌پردازد که با دخالت در توزیع عادلانه ثروت در جامعه و کاهش انگیزه‌های تلاش برای کسب روزی به تشدید فقر در جامعه منتهی می‌شود. لذا اسلام برای کنترل فقر و فقرزدایی در جامعه راهبردهایی فردی و اجتماعی ارائه نموده است. نظریه فقرزدایی اسلام به پیامدهای فقر در جامعه نیز شامل پیامدهای اجتماعی، اخلاقی، روانی و دینی می‌پردازد. این نظریه در مقایسه با پنج نظریه اصلی فقر یعنی نظریه آسیب شناسی اجتماعی، نظریه فرهنگ فقر، نظریه شکست سیاستها، نظریه محدودیت‌های ساختاری و نظریه کارکردگرایی برتری‌های نظری و قابلیت عملیاتی دارد.

کلید واژه‌ها: قرآن، فقر، روایات، فقرزدایی، نظریه، پژوهش زمینه‌ای

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
Yaghouti2010@yahoo.com

۱- بیان مساله

دوگانه فقر و غنا به عنوان داستان همیشگی طول تاریخ به برخورداری نبودن فرد یا گروه از دارایی‌ها، درآمد و خدمات عمومی تلقی شده است. در تعریفی دقیق‌تر و با معیار کمی، فقر وضعیت مربوط به داشتن درآمدی پایین‌تر از سطح یک پنجم، در نظام توزیع درآمد و یا وضعیت مربوط به داشتن درآمدی ناهم‌ساز با هدف‌های ملی یک جامعه تعبیر شده است. فقر را می‌توان محصول نهایی نابرابری‌های اجتماعی و حاصل فرایند انسداد اجتماعی که از قدرت، سلطه و اقتدار سرچشمه می‌گیرد، به شمار آورد. فقرا نیز گروه‌هایی از شهروندان هر جامعه‌اند که بر اساس معیارهای فرهنگی و مصرفی و نیز کیفیت زندگی اجتماعی، در سطحی پایین‌تر از حداقل قابل قبول قرار داشته و به همین اعتبار محروم و نیازمند حمایت به شمار می‌آیند (زاهدی، ۵۵).

بنابر گزارش برنامه توسعه ملل متحد، حدود یک‌چهارم جمعیت جهان در فقر مطلق به سر می‌برند و نزدیک به ۸۰۰ میلیون نفر غذای کافی برای خوردن ندارند (فیتزتریکی، ۱۸۱). به رغم تظاهر نظام‌های سیاسی جهان در مقابله با فقر، برخی اندیشمندان و متفکران اجتماعی در نقد سیاست دوران معاصر معتقدند این سیاستها به جای آنکه به فکر حذف شرایط برانگیزنده فقر باشد، درصدد حذف فقیران است. زیگمونت باومن و تامس مور از جمله این اندیشمندان هستند (فیتزتریکی، ۱۳-۱۴). این پژوهش مدعی است که بر خلاف مکاتب بشری، مکتب اسلام برای حل فقر به عنوان یکی از مسایل و مشکلات اجتماعی، رویکرد نظری جامعی با قابلیت علمیاتی شدن ارائه نموده است که محوریت آن، نه حذف فقرا، بلکه مقابله با ذات فقر با شناسایی ریشه‌ها، بسترها و عوامل مداخله‌گر آن است.

مکتب اسلامی بر اساس همین رویکرد از همان ابتدا محوریت خود را در برتری انسانها نه ثروت و طبقه اجتماعی و تمایزات اجتماعی مانند جنسیت، نژاد، و قومیت بلکه تقوای الهی قرار داده است (الحجرات، ۱۳)^۱. این مساله موجب شد، مکتب اسلام فارغ از میزان

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

داشته‌های مادی و تمایزات اجتماعی برای تمامی طبقات اجتماعی جذابیت داشته باشد. هرچند رویکرد اسلام به فقرا تکریم انسانها فارغ از میزان سرمایه مادی آنهاست؛ اما فقر پدیده‌ای منفی تلقی می‌شود که باید چهره جامعه را از آن زدود. بر این اساس در این پژوهش قرانی و روایی قصد داریم به مدد آیات قرانی و روایات معصومین، نظریه فقرزدایی اسلامی را از منظری نو جستجو کنیم. این جستار تلاشی است در راستای پاسخگویی به پرسش‌های زیر:

- براساس آیات قران و روایات چه تعریفی از فقر می‌توان ارائه نمود؟
- براساس آیات قران و روایات شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر فقر کدامند؟
- براساس آیات قران و روایات راهبردهای فقرستیزی و فقرزدایی در ابعاد فردی و اجتماعی کدامند؟
- براساس آیات و روایات فقر چه پیامدهایی در زندگی فردی و اجتماعی به همراه دارد؟
- نظریه فقرزدایی قران و روایات چه شباهت‌ها و تمایزاتی با نظریه‌های اجتماعی متداول فقر دارد؟

۲- مقدمه

در این پژوهش چندین سوال کلیدی مطرح شده است که برای دستیابی به آنها و در مجموع نظریه فقرزدایی قران و روایات، از روش کیفی "نظریه مبنایی"^۱ استفاده شده است. در روش نظریه مبنایی، فرایند نمونه‌گیری، گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها جدا از یکدیگر نیستند (استراوس و کوربین^۲، ۱۳۹۵). نظریه مبنایی معمولاً بر تفسیر مداوم، بین تحلیل و داده‌ها تأکید می‌کند، زیرا هدف، استخراج نظریه‌ای بر مبنای داده‌های موجود یا جمع‌آوری شده است. این فرایند در برگیرنده یک طرح هدایت شده به وسیله داده‌ها است و هدف اصلی، ایجاد مفاهیم نظری از داده و جستجوی مفاهیم مرکزی^۳ است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰).

1. Grounded Theory
2. Strauss & Corbin
3. core concepts

در این تحقیق، آیات و روایات مرتبط با مساله فقر گردآوری شده است. تحلیل محتوای آیات و روایات گردآوری شده، طی فرایندی منظم و درعین حال مداوم از مقایسه داده‌ها بود و برای این کار از فرایند سه مرحله‌ای کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شد:

کدگذاری باز؛ پس از گردآوری آیات و روایات مرتبط با فقر بر اساس روش پیشنهادی استراوس و کوربین (۱۳۹۵) و گلدینگ^۱ (۲۰۰۲)، کدگذاری باز، صورت گرفت. به این صورت که کدهای آزاد، شناسایی و به اجزای کوچکتری تقسیم و در یک فرایند مقایسه مستمر، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی شده و رویدادهای مشابه در یک گروه طبقه‌بندی شدند.

کدگذاری محوری؛ در این مرحله کدها و دسته‌های اولیه که در کدگذاری باز آیات و روایات مرتبط با فقر ایجاد شده بودند، با یکدیگر مقایسه شدند و ضمن ادغام کدهایی که از نظر مفهومی با یکدیگر مشابه و دسته‌هایی که به یکدیگر مربوط بودند، حول محور مشترکی قرار گرفتند. همچنین در این مرحله، ابعاد پارادایم کدگذاری شکل گرفت که شامل شش دسته: پدیده اصلی (مقوله محوری)، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای فقر بود.

کدگذاری انتخابی؛ در این مرحله نظریه فقر زدایی قرآن و روایات از روابط فیما بین مقوله‌های کدگذاری محوری به نگارش در آمد. این نظریه شرحی انتزاعی برای پیامدها، راهبردها، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، و شرایط زمینه‌ای ارائه داده است. در این مرحله مقوله‌های استخراج شده براساس پیوستار و منطق معنایی در قالب یک نظریه منسجم با یکدیگر در ارتباط قرار گرفتند و در نهایت نظریه فقر زدایی قرآن و روایات ارایه گردید.

براساس مدل پارادایمی ارایه شده در مکتب اسلام، فقر به عنوان پدیده‌ای منفی با آثاری مخرب در ابعاد فردی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که لازم است با شناخت شرایط علی، زمینه‌ها و شرایط مداخله‌گر در کنترل و زدودن آن از زندگی فردی و

1. Goulding

اجتماعی اقدام نمود. در زیر ابعاد نظریه فقرزدایی قرآن و روایات براساس مدل پارادایمی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳- فقر (تعریف، انواع، محدوده و تمایز مفهومی)

پدیده اصلی مورد بررسی در این مقاله، فقر از دیدگاه قرآن و روایات است. بر این اساس لازم است معنای لغوی و مفهومی فقر در قرآن و روایات و مرزهای مفهومی و تمایز آن با دیگر مفاهیم مشخص و تعریف شود. در اصطلاح فقهی و قرآنی، فقیر به کسی گفته می‌شود که هزینه یک سال را بالفعل و بالقوه نداشته باشد (مقدس اردبیلی، ۲۶۲).

در کتب معجم و لغت برای واژه «فقر» معانی مختلفی به کار رفته است که برخی از آنها با معنای کاربردی در محاورات روزمره و با معنا و هدف این مقاله مطابقت ندارد. اکثر علمای لغت، فقر را به معنی نیاز و حاجت دانسته‌اند (سعدی، ۲۸۹؛ صاحب بن عباد، ۴۰۰/۵؛ فراهیدی، ۱۵۰/۵؛ طریحی، ۴۴۱/۳؛ واسطی زبیدی، ۳۵۴/۷؛ ابن منظور، ۶۰/۵). در کتاب مفردات الفاظ القرآن، نیز فقر به معنای نیازمندی‌های مادی و زیستی موجودات زنده، عدم برخورداری از وسایل و امکانات اولیه و اساسی زندگی، آزمندی و بسنده نکردن به امکانات موجود و بالاخره به معنی احساس همیشگی نیاز به خدا ذکر شده است (راغب اصفهانی، ۶۴۱). معنای اخیر از تمایزات اصلی گفتمان قرآنی با گفتمان‌های بشری در توجه به فقرزدایی است. به این معنا که محوریت گفتمان فقرزدایی قرآنی بر توحیدباوری و باور به غنای الهی و فقر ذاتی بشر در مقابل خداوند است.

برای شناخت نظریه فقرزدایی قرآن و روایات، نباید تنها به واژه فقر و مشتقات لغوی آن بسنده نمود. این مساله دو علت اصلی دارد:

نخست اینکه واژه «فقر» تنها یک بار در قرآن در آیه ۲۶۸ سوره بقره آمده است: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» البته مشتقات فقر نظیر «فقیر» پنج مرتبه، و «فقراء» هفت مرتبه و «فاقره» یک مرتبه در

قرآن کریم به کار رفته است. با اینهمه فقر در معنای لغوی و جلوه‌های آن، در موارد دیگری نیز به کار گرفته شده است که با معنای فقر اقتصادی متمایز و متفاوت است. بر این اساس لازم است تمایز مفهومی و معنایی فقر اقتصادی با دیگر جلوه‌های فقر را مد نظر قرار داد (جدول ۱). انواع فقر و برخی مستندات آنها در آیات و روایات در زیر به اختصار آمده است.

فقر ذاتی: این فقر دلالت بی‌نیازی خداوند و نیازمندی همه مخلوقات به او دارد. در آیات ۱۵ سوره فاطر و ۳۸ سوره محمد(ص)، به خوبی به این نوع فقر اشاره شده است.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر، ۱۵)

«هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» (محمد، ۳۸).

همچنین رسول اکرم(ص) در دعایی می‌فرماید: اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِالْإِفْتِقَارِ إِلَيْكَ، و لَا تُفْقِرْنِي بِالْإِسْتِغْنَاءِ عَنْكَ؛ الهی مرا با نیازمندی به سوی خود غنی گردان و نیازم را سرشار و نیز مرا در بینیزی از خودت فقیر مگردان که خود را از تو بینیاز بدانم (مجلسی، ۳۰/۶۹). فقر شناختی: این نوع فقر زمانی جلوه گر می‌شود که انسان براساس جهل و بی‌خردی عمل کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص): يَا عَلِيُّ لَا فَقْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ (کلینی، ۱/ ۲۵)؛ ای علی، هیچ فقری مانند نادانی نیست.

و أَكْبَرَ الْفَقْرِ الْحَقُّ (شریف رضی، حکمت ۳۸)؛ بزرگترین فقر بی‌خردی است. فقر روحی: ابتلا روح به انواع بیماری‌ها از جمله حرص و آز، دنیاطلبی، و به عنوان جلوه‌ای از فقر ذکر شده است.

قال امام باقر(ع): «لَا فَقْرَ كَفَقْرِ الْقَلْبِ وَ لَا غِنَى كَغِنَى النَّفْسِ» (مجلسی، ۱۶/۷۵)؛ هیچ فقری چون فقر روحی و هیچ توانگری چون استغنای روحی نیست.

شَرَهُ النَّفْسُ إِلَى كُلِّ شَيْءٍ (آمدی، ۲۲۵)؛ آزمندی نفس، به هر چیزی [فقر است]

امام صادق (ع): «الطَّمَعُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ» (کلینی، ۲ / ۱۴۸)؛ یعنی چشم طمع به آنچه دیگران دارند، خود فقر است.

رسول الله: نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْقِلَّةِ (مجلسی، ۶۹ / ۳۱). پناه می‌برم از فقر نفسانی و کم صبری و عدم بردباری.

فقر گزینشی: منظور از فقر گزینشی، انتخاب ارادی فقر است و هدف از آن خدمت صادقانه به خلق با ساده زیستی و بدون چشمداشت برای رضای الهی است. آیات ۸ و ۹ سوره مبارکه انسان بر این نوع فقر اشاره دارد.

«وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا».

همچنین در روایتی از امام صادق (ع) ابراز علاقه به فقر نه به معنای فقر گزینشی و هدف از آن انتخاب زندگی ساده برای فرصت بیشتر در راه خدمت به بندگان خدا است. این نوع فقر نه تنها نشانه ضعف و ناتوانی فرد نیست بلکه نشانه عزم جدی او در راه زدودن فقر دیگر اقشار جامعه است: در حدیث دیگر آمده است:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) ءَ شَيْ يَرُوى عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: ثَلَاثٌ يَبْغُضُهَا النَّاسُ وَ أَنَا أَحِبُّهَا أَحَبُّ الْمَوْتِ وَ أَحَبُّ الْفَقْرِ وَ أَحَبُّ الْبَلَاءِ. فَقَالَ (ع): إِنَّ هَذَا لَيْسَ عَلَى مَا يَرُوونَ إِنَّمَا عَنِ الْمَوْتِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْحَيَاةِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ الْبَلَاءِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الصَّحَةِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ الْفَقْرُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْغِنَى فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ» (کلینی، ۲۲۲/۸).

راوی می‌گوید به امام صادق (ع) عرض نمودم مطلبی از ابوذر نقل شده که مردم سه چیز را دوست ندارند ولی من آنها را دوست دارم؛ مرگ، فقر و بلا. امام صادق (ع) فرمودند آن طور که میگویند صحیح نیست، بلکه مرگ در طاعت خدا را بیشتر از زندگی در معصیت دوست دارم. بلای در طاعت خدا را بیشتر از صحت در معصیت خدا دوست دارم و فقر در طاعت خدا را بیشتر از ثروت در معصیت خدا دوست دارم.

فقر در روز قیامت: این نوع فقر به عدم توانایی آدمی در ارائه اعمال نیک در روز قیامت اشاره دارد. در احادیثی از پیامبر اکرم (ص) به این نوع فقر اشاره شده است. دو مورد زیر از آن جمله است:

«قال رسول الله (ص) أتدرون ما المفلس؟ فقيل: المفلس فينا من لا درهم له ولا متاع له. فقال: المفلس من أمتي من يأتي يوم القيامة بصلاة وصيام وزكاة ويأتي قد شتم وقذف هذا وأكل مال هذا وسفك دم هذا وضرب هذا فيعطى هذا من حسناته وهذا من حسناته فإن فئيت حسناته قبل أن يقضى ما عليه أخذ من خطاياهم فطرحته عليه ثم طرح في النار بل قد يقال إن المفلس حقيقة هو هذا» (مجلسی، ۶۹/ ۶).

آیا می‌دانید مفلس کیست؟ گفتند: از نظر ما، مفلس کسی است که نه درهمی دارد و نه کالایی. حضرت فرمود: مفلس امت من، کسی است که روز قیامت نماز و روزه و زکات با خود می‌آورد، اما گاهی دشنام و تهمت به این زده است و مال آن را خورده و خون فلان را ریخته و بهمان را زده است. در نتیجه، از حسناتش به این و آن داده می‌شود و اگر حسناتش تمام شود و هنوز خطاهایش تمام نشده باشد، از گناهان آنها برداشته و به او داده می‌شود و سپس در آتش افکنده می‌شود و گفته می‌شود: مفلس حقیقی، همین شخص است."

قال رسول الله (ص) أيها الناس... ما الصعلوك فيكم؟ قالوا: الرجل الذي لا مال له. فقال: بل الصعلوك حق الصعلوك من لم يقدم من ماله شيئاً يحسبه عند الله وإن كان كثيراً من بعده (مجلسی، ۱۵۲/۷۴)؛ ای مردم به نظر شما فقیر کیست؟ عرض کردند: مردی که ثروتی ندارد. فرمود: نه، فقیر حقیقی کسی است که از مال خود چیزی به حساب خدا پیش نفرستد، اگرچه پس از او مال بسیاری بماند.

همچنین علی (ع) نیز اعمال آدمی را ملاک واقعی فقر و غنا در روز قیامت قلمداد می‌کنند. الغنى و الفقر بعد العرض على الله (شریف رضی، حدیث ۴۵۲)؛ توانگری و فقر (واقعی) آنگاه معلوم می‌شود، که اعمال به پیشگاه خداوند عرضه شود.

فقر در باورهای دینی: در برخی روایات فقدان یک آئین الهی و یا وجود کاستی‌ها و

نواقص در اعتقادات دینی و عقیدتی به عنوان مهمترین نوع فقر ذکر شده است. امام حسین (ع) فقر دینی را مرگ سرخ می‌دانند.

عن أبي عبد الله (ع) قال: الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ. فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): الْفَقْرُ مِنَ الدِّينَارِ وَ الدَّرْهِمِ. فَقَالَ: لَا وَ لَكِنْ مِنَ الدِّينِ (کلینی، ۶۶۳/۳)؛ فقر، مرگ سرخ (کشته شدن) است. [راوی می‌گوید:] به ابو عبد الله عرض کردم: (منظورتان) فقر درهم و دینار است؟ فرمود: نه؛ فقر دینی است.

همچنین در حدیثی کفر بعد از ایمان، سخت ترین نوع فقر ذکر شده است.

فَأَيُّ فَقْرٍ أَشَدُّ؟ قَالَ: الْكُفْرُ بَعْدَ الْإِيمَانِ (ابن بابویه، ۴ / ۳۸۱)؛ سخت ترین فقر کدام است؟ کفر بعد از ایمان.

در بررسی نظریه فقر زدایی باید به این نکته تاکید کرد که منظور از فقر، فقر در معانی مذکور نیست؛ بلکه فقر به معنای اقتصادی آن است. تمایز مفهومی فقر و تعیین حدود آن از نظر فقهی نیز حایز اهمیت است. چون نداری و نیاز، می‌تواند شکل‌ها و جلوه‌های متفاوتی داشته باشد و همین مساله موجب شود از نظر احکام فقهی تفاوت‌هایی ایجاد شود. برای مثال در آیه ۶۰ سوره توبه، برخی فقها درباره تفاوت فقیر و مسکین به بحث پرداخته‌اند.

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»

«صدقات برای فقیران است و مسکینان و کارگزاران جمع‌آوری آن و نیز برای به دست آوردن دل مخالفان و آزاد کردن بندگان و قرض داران و انفاق در راه خدا و مسافران نیازمند و آن فریضه ای است از جانب خدا. و خدا دانا و حکیم است.»

دوم اینکه واژه‌های دیگری نیز هم معنا با فقر وجود دارند که باید در استخراج نظریه فقرزدایی قرآن و روایات از آنها نیز بهره گرفت. قرآن کریم برای فقر، واژه‌هایی مانند فقر، فقیر، فاقره، مسکین، مسکنة، ضعیف و مستضعف، را به کار برده است.

فقر اقتصادی، فقر مالی، فقر معیشتی و محرومیت از منظر صاحب الحیاه عبارتست از

نیازمندی انسان، یا بی‌نصیب ماندن از چیزهایی که برای تأمین زندگی او و کسانی که تحت تکفل او هستند کفایت کند. به عبارتی دقیق‌تر فقر عبارتست از: نداشتن چیزهایی که آدمی در زندگی به آنها نیازمند است، و ناقص یا اندک بودن امکاناتی که شکوفایی قابلیت آدمی و ظهور استعدادهای او به آنها بستگی دارد.

برای ضد ارزش بودن فقر بر اساس گفتمان قرانی می‌توان به آیات مختلفی استناد نمود. از آن جمله:

- الف - «و وجدک عائلاً فَاعْنِي» (الضحی، ۸). در این آیه عنایت خداوند در توانگر کردن پیامبر به عنوان منت و لطف الهی ذکر شده است.
- ب - «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَ اللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلاً وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (البقره، ۲۶۸). در این آیه نیز وعده همزمان شیطان به فقر و امر به فحشا نشان دهنده تقارن و همبستگی این دو پدیده ضد ارزشی دارد.

انواع فقر	مفهوم اصلی	آیات و روایات
فقر ذاتی	بی‌نیازی خداوند و نیازمندی همه به او	(فاطر، ۱۵)؛ (محمد، ۳۸)؛ (مجلسی، ۳۰/۶۹)
فقر شناختی	عمل بر اساس جهل و بی‌خردی	(کلینی، ۱/ ۲۵)؛ (حکمت ۳۸)
فقر روحی	ابتلا روح به انواع بیماری‌ها از جمله حرص و آز، دنیاطلبی، و..	(آمدی، ۲۲۵)؛ (کلینی، ۱۴۸/۲)؛ (مجلسی، ۳۱/۶۹)؛ (مجلسی، ۱۶/۷۵)
فقر گزینشی	گزینش ارادی فقر (خدمت صادقانه به خلق با ساده‌زیستی و بدون چشم‌داشت برای رضای الهی)	(الانسان، ۸-۹)؛ (کلینی، ۲۲۲/۸)
فقر در روز قیامت	عدم توانایی آدمی در ارائه اعمال نیک در روز قیامت	(مجلسی، ۶/۶۹)؛ (مجلسی، ۱۵۲/۷۴)؛ (شریف رضی، حدیث ۴۵۲)؛
فقر در باورهای دینی	فقدان یک آئین الهی و یا وجود کاستیها و نواقص در اعتقادات دینی و عقیدتی	(کلینی، ۳/۶۶۳)؛ (ابن بابویه، ۳۸۱/۴)؛

جدول ۱- تمایز مفهومی انواع فقر با فقر اقتصادی

۴- شرایط علی فقر در قرآن و روایات

منظور از شرایط علی، متغیرهایی هستند که در بروز و ظهور فقر در جامعه به صورت مستقیم نقش دارند. شرایط علی از شرایط مداخله گر و شرایط زمینه ای از این جهت متمایز هستند که شرایط اخیر به صورت مسقیم در ایجاد فقر موثر نیستند، بلکه وجود آنها بستر یا شرایطی را فراهم می‌کند که فقر را تسریع، تشدید و تهییج می‌کنند. شرایط مداخله گر و زمینه‌ای می‌توانند با تاثیر بر عوامل فقرزا به فقر منتهی شوند. در نظریه فقرزدایی قرآن و روایات به دو دسته علت‌های فردی و اجتماعی در ایجاد فقر اشاره شده است:

الف- عوامل فردی عواملی هستند که به ویژگی‌های فردی و عدم اهتمام فرد برای کار و تلاش و کسب رزق و روزی اشاره دارد. در این میان تنبلی و عدم پشتکار افراد به عنوان عامل فردی ایجاد فقر تلقی شده است: «إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا ازْدَوَجَتْ ازْدَوَجَ الْكَسْلُ وَالْعَجْزُ فَتَنَبَّجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرُ» (ری شهری، ۱۳۸۴/۱۱)، همانا گاهی اموری با یکدیگر جفت می‌شوند، [مثلاً آنگاه که] تنبلی و ناتوانی با هم ازدواج کنند، از آنها فقر متولد می‌شود.

در حدیثی دیگر از امام علی(ع) عدم اهتمام فرد بر کار و تلاش به عنوان عامل فقر فردی معرفی شده است: "من لم يصبر على كد يده، صبر على الافلاس (آمدی، ۳۵۵)، هر که بر کار و تلاش خود، پایدار نباشد، [سرانجام] پذیرای تهیدستی و فقر خواهد شد."

ب- عوامل اجتماعی به توزیع ناعادلانه ثروت در میان افراد و انحصار ثروت در دست توانگران و ثروتمندان اشاره دارد.

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در نامه ای به مالک اشتر یادآور می‌شود که آبادانی سرزمین‌ها در نتیجه نجات مردم از فقر به وسیله حکام و مسئولان می‌باشد و می‌فرماید: «وَأَنَّمَا يُوتَى خَرَابُ الْأَرْضِ مِنْ أَعْوَاذِ أَهْلِهَا وَأَنَّمَا يُعَوِّزُ أَهْلُهَا لِأَشْرَافِ أَنْفُسِ الْوُلَاةِ عَلَى الْجَمْعِ وَسُوءِ ظَنِّهِمْ بِالْبَقَاعِ؛ همانا ویرانی زمین به دلیل تنگدستی کشاورزان است و تنگدستی کشاورزان به دلیل غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند» (شریف رضی، نامه ۵۳).

ابعاد پارادایم با محوریت فقر	آیات و روایات مرتبط	مقوله‌های محوری
شرایط علی فقر	(محمدری‌شهری، ۱۱/۵۱۸۴)؛ (آمدی، ۳۵۵)؛ (شریف رضی، نامه ۵۳).	✓ عوامل فردی: تنبلی و عدم پشتکار افراد ✓ عوامل اجتماعی: توزیع ناعادلانه ثروت، انحصار ثروت در دست توانگران و ثروتمندان

جدول ۲- مقوله‌های محوری بعد پارادایمی شرایط علی فقر

۵- شرایط مداخله گر فقر در قرآن و روایات

شرایط مداخله گر، شرایطی هستند که در عوامل فردی و اجتماعی ایجاد فقر دخالت نموده و آن را کنترل یا تشدید می‌کنند. این عوامل مداخل گر در تمامی سطوح طبقاتی قابل ردیابی است. در سطوح بالا، ثروت اندوزی حاکمان، در سطح میانه جامعه احتکار و اختلال اقتصادی طبقات مرفه و متوسط جامعه و در سطوح پایین تکدی گری به جای تلاش در جهت کسب روزی حلال از این عوامل محسوب می‌شوند.

در سطح بالای اجتماعی فقر با دخالت حاکمان و توانگران و عدم اهتمام آنها در رفع فقر تشدید می‌شود.

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ، وَاللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ». (شریف رضی، حکمت ۳۲۸)، خداوند سبحان روزی فقرا را در اموال توانگران مقرر داشته است. پس هیچ فقیری گرسنه نماند، مگر آنکه، توانگری حق او را باز داشته است و خدای تعالی توانگران را، بدین سبب، باز خواست کند.

در سطوح میانی جامعه، طبقات مرفه، متوسط و فعالان اقتصادی با پیگیری رویه اخلاقی و اقتصادی نادرست می‌توانند عاملی در تشدید فقر باشند. برای مثال صفت بخل و آلوده شدن به رباخواری از عوامل مهم فقر ذکر شده است:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ الَّذِي مِنْهُ هَرَبَ وَيَقُوتُهُ الْغِنَى الَّذِي إِيَّاهُ طَلَبَ فَيَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَيُحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِيَاءِ» (شریف رضی، حکمت ۱۲۶)، از بخیل در شگفتم! به سوی فقری می‌شتابد که از آن می‌گریزد و

سرمایه ای را از دست می‌دهد که برای آن تلاش می‌کند. در دنیا چون فقیران و تهیدستان زندگی می‌کند؛ اما در آخرت چون سرمایه داران محاکمه می‌شود.

شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: خداوند در آیه ۲۷۸ سوره بقره می‌فرماید: «يَمْحَقُ اللَّهُ الْرِّبَا وَيُرِيهِ الصَّدَقَاتِ»؛ خداوند ربا را نابود و صدقات را زیاد می‌کند، اما چرا می‌بینیم که بعضی رباخواران اموالشان زیاد می‌شود. امام علیه السلام فرمود: چه نابودی از این بالاتر که یک درهم ربا، دین انسان را نابود می‌کند و اگر توبه کند، باز هم اموالش از بین رفته، فقیر می‌شود (شیخ طوسی، ۱۵/۷).

ربا با وجود افزایش ظاهری ثروت فردی در مراحل، به تدریج در طول عمر آن ثروت را نابود کرده و با آثار سوء خود، فقر اجتماعی را تشدید می‌کند.

طبقات پایین جامعه نیز با درخواست از دیگران و گدایی به تشدید فقر در جامعه کمک می‌کنند. کلام امام علی (ع) مویدی است بر این مطلب: درخواست از دیگران کلید فقر است و روزی را نابود می‌کند» (حرانی، ۴۲، مجلسی، ۳۱۶/۷۶).

این مساله در دو روایت از رسول اکرم نیز مورد تاکید قرار گرفته است: «هرکس درخواست را به روی خویش بگشاید، خداوند نیز در فقر را به سوی او باز می‌کند» (آمدی، ۳۶۶). «هرکس اظهار نیاز به دیگران نکند، خداوند بی‌نیازش می‌کند، هرکس خود را از حرام باز دارد خداوند او را پاک می‌گرداند، هرکس از خدا مسألت کند، عطایش می‌کند و هر کسی که در سؤال و درخواست را به روی خود بازکند، خدا در هفتاد نوع فقر را به روی او می‌گشاید که کوچکترین آنها با هیچ چیزی بسته نمی‌شود.» (طبرسی، ۴۴۵).

ابعاد پارادایم با محوریت فقر	آیات و روایات مرتبط	مقوله‌های محوری
شرایط مداخله گر فقر	(شریف رضی، حکمت ۳۲۸)	✓ نقش مداخله‌گر حاکمیت
	(شریف رضی، حکمت ۱۲۶)	✓ نقش مداخله‌گر طبقات مرفه و متوسط
	(آمدی، ۳۶۶)؛ (طبرسی، ۴۴۵)	✓ نقش مداخله‌گر طبقات پایین

جدول ۳- مقوله‌های محوری بعد پارادایمی شرایط مداخله‌گر فقر

۶- شرایط زمینه‌ای فقر در قرآن و روایات

شرایط زمینه‌ای ایجاد فقر به عواملی اشاره دارد که در بستر آنها فقر رشد می‌کند. بخشی از این بستر به زمینه‌های فکری افراد و بخشی دیگر به زمینه‌های عملکردی آنها مربوط می‌شود:

الف- بسترهای فکری: آیات متعددی در قرآن درباره توجه به رزق مقدر و اسباب آن ذکر شده است از جمله این آیات می‌توان به (مریم، ۲۵)، (المائدة، ۶۴)، (یس، ۴۷)، (الزخرف، ۳۲)، (النحل، ۵۶)؛ (فاطر، ۲۹)، (المعارج، ۲۴ و ۲۵)، (الذاریات، ۱۹)، (الفجر، ۱۵-۲۰)، (ابراهیم، ۷) اشاره نمود.

● «وَهَزَىٰ إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا غِنًى» (مریم، ۲۵)، شاخ درخت را به سوی خود حرکت ده تا از آن بر تو رطب تازه فرو ریزد.

● «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (المائدة، ۶۴). و یهود گفتند: دست خدا بسته است. دستهایشان بسته باد و به سزای این گفتار، از لطف خدا دور شوند. بلکه دو دست (قدرت) خدا گشوده است، هرگونه بخواهد انفاق می‌کند و البته آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، کفر و طغیان بسیاری از آنان را می‌افزاید و ما تا روز قیامت دشمنی و کینه در میانشان افکندیم. هر بار که برای جنگ، آتش افروزی کردند، خداوند آن را خاموش ساخت. آنان همواره در زمین، به فساد و تبهکاری می‌کوشند، و خداوند مفسدان را دوست نمی‌دارد.

● «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (یس، ۴۷) و هرگاه به آنان گفته شود: از آن چه خداوند روزی شما کرده بخشش کنید، کسانی که کفر ورزیدند به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: آیا به کسانی غذا دهیم که اگر خداوند می‌خواست خودش به آنها غذا می‌داد؟ شما در گمراهی آشکاری هستید.

- «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلْخًا وَرَحْمَتَ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (الزخرف، ۳۲)، آیا آنان رحمت پروردگارت (در مورد تعیین پیامبر) را (میان خود) تقسیم می‌کنند در حالی که ما معیشت آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم (تا چه رسد به اعطای مقام والای نبوت) و درجات بعضی انسان‌ها را بر برخی دیگر برتری دادیم تا برخی از آنان برخی دیگر را به خدمت گیرند و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می‌اندوزند بهتر است.
- «وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ» (النحل، ۵۶)، و (مشركان) سهمی از آنچه را ما روزی آنان کرده‌ایم برای بت‌هایی قرار می‌دهند که هیچ نمی‌دانند. به خدا سوگند حتماً از آنچه افتراء می‌بندید بازخواست خواهید شد.
- «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ» (فاطر، ۲۹)، همانا کسانی که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه ما روزیشان کرده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی دل بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد.
- «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (المعارج، ۲۴ و ۲۵)، و آنان که در اموالشان حقی است معلوم. برای افراد سائل و محروم.
- «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (الذاریات، ۱۹)، و در اموالشان، برای سائل و محروم حقی بود.
- «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ كُلًّا بَلْ لَّا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ وَلَا تَخَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَّمَّا وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا» (الفجر، ۱۵-۲۰)، اما انسان، (طبعش چنین است که) هرگاه پروردگارش او را بیازماید و گرامیش داشته و نعمتش دهد، (مغرور گشته و) می‌گوید: پروردگارم مرا گرامی داشته است. ولی هرگاه او را بیازماید و روزی او را تنگ سازد، می‌گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است. این چنین نیست؛ بلکه

شما یتیم را گرامی نمی‌دارید. و یکدیگر را بر اطعام بینوایان ترغیب نمی‌کنید. و میراث را (به حق و ناحق) یکجا می‌خورید. و مال را بسیار دوست دارید.

● «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم، ۷)، و (نیز به یادآور) هنگامی که پروردگارتان اعلام فرمود: همانا اگر شکر کنید، قطعاً (نعمت‌های) شما را می‌افزایم، و اگر کفران کنید البته عذاب من سخت است.

این آیات به ما گوشزد می‌کنند رزق و تقسیم آن در تقدیر الهی بر قواعدی استوار است که باید به آنها توجه نمود. وقتی بسترهای فکری افراد جامعه بر عدم توجه به رزق مقدر، و وسائط رزق، عدم باور به تقسیم روزی و عدم توجه به حق دیگران در روزی استوار باشد عملکرد آنها بر خداباوری متکی نخواهد بود. آنها به آزمون‌های الهی بی توجه خواهند بود و دیدگاه نادرستی نسبت به دنیا و آخرت پیدا خواهند کرد.

ب- بسترهای عملکردی: تفکر غیرالهی به مساله رزق و روزی و عدم خداباوری موجب اشاعه گناه، کفران نعمت‌های الهی، بی توجهی به نیازمندان، حرام‌خواری، ولخرجی، عدم توجه به حقوق پدر و مادر، عدم ارتباط با خویشان، خیانت، دروغ‌گویی، و حبس مال (بخل ورزیدن به مال) خواهد شد که نتیجه آن گسترش فقر در جامعه است. در زیر چند حدیث مرتبط با زمینه‌های فقر ذکر شده است:

گناه: امام باقر علیه‌السلام: «ان العبد لیذنب الذنب فیزوی عنه الرزق» یعنی بنده مرتکب گناه می‌شود، روزی وی از او زده می‌شود. (عاملی، ۳۰۱/۱۵).

گناه: امام رضا علیه‌السلام: «ان مؤمنَ لینوی الذنب فیحرم رزقه» یعنی «همانا مومن نیت گناه می‌کند و از رزقش محروم می‌شود» (عاملی، ۵۸/۱).

گناه: امام علی علیه‌السلام: «توقوا الذنوبَ فما من بلیه و لانقص رزق الا بذنب حتی الخرش والكبوه و المصیبه» یعنی از گناهان بپرهیزید، زیرا هیچ بلا و کم شدن روزی حتی خراش‌ها و زخم‌های بدن و سقوط و افتادن و هر مصیبتی از گناهان سرچشمه می‌گیرد (مجلسی، ۳۵۰/۷).

گناه: انسان با گناهی که مرتکب می‌شود از روزی محروم می‌گردد (ابن ابی الحدید، ۲۵۹/۲۰).
عدم استغفار: خداوند استغفار (آمرزش خواستن) را سبب فراوانی روزی قرار داده است
(شریف رضی، خطبه ۱۴۳).

کفران نعمت: امام علی(ع): «زوالُ النِّعم بمنع حقوق الله منها و التَّقْصیر فی شکرها». یعنی
زایل شدن نعمت‌ها به واسطه ندادن حقوق خداوند از آن‌ها و تقصیر در ادای شکر آن‌هاست
(آمدی، ۱۱۰/۴)

خیانت: «الامانه تجر الرزق و الخيانه تجر الفقر». امانتداری روزی به دنبال دارد و
خیانت مایه فقر و تنگدستی است. (حرّانی، ۲۵۵)

بی‌توجهی به نیازمندان: رسول صلی الله علیه و آله: «کسی که نعمتش افزون می‌شود نیاز
مردمان نیز به او فراوان می‌شود، اگر نیاز آنها را برآورد نعمت‌های فراوان دیگری به او می‌رسد،
ولی اگر این کار را نکند، آن چه را دارد از دست می‌دهد» (محدث نوری، ۱۹۵/۱۵).

نفرتین پدر و مادر: امام کاظم: «العقوق يعقب القله و يؤدى الى الذله» (مجلسی، ۸۴/۷)؛
عقوق والدین کمی و تنگ دستی را به دنبال دارد و انسان را به ذلت و خواری می‌کشانند.
ولخرجی: حضرت علی علیه السلام: «کسی که به تبذیر و ولخرجی افتخار کند با
ورشکستگی خوار و ذلیل می‌شود». (آمدی، ۳۶۰)

رسول صلی الله علیه و آله «کسی که در مخارج زندگی میانه روی کند، خداوند رزق و
روزی به او عنایت می‌کند و هرکس را که تبذیر و ولخرجی کند، از روزی محروم
می‌سازد». (کلینی، ۱۲۲/۲)

قطع کردن رابطه‌ی خویشاوندی: امام علی علیه السلام: «اگر خانواده‌ای فاجر گرد هم
آیند و به یاری هم بشتابند، خداوند به آنها روزی می‌دهد ولی اگر خانواده‌ای با تقوا، تفرقه
و قطع رحم کنند خداوند آنها را از روزی محروم می‌کند». (کلینی، ۳۴۷/۲)

امام علی: «هنگامی که رشته‌ی خویشاوندی بریده شود اموال به دست اشرار می‌افتد.
(کلینی، ۳۴۸/۲)

حرام‌خواری: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله: «هرکس مالی را از راه نامشروع و حرام به دست آورد، خدای متعال او را فقیر و نیازمند می‌سازد» (مجلسی، ۱۶۱/۹۶).

حضرت صادق (ع): «کثرة السحت یمحق الرزق» (مجلسی، ۲۵۶/۷۵)، حرام‌خواری زیاد روزی را نابود می‌کند.

اظهار حرص: «اظهار الحرص یورث الفقر» (مجلسی، ۱۶۲/۷۵)، اظهارکردن حرص باعث فقر و تنگدستی می‌شود.

دروغگویی: رسول الله صلی الله علیه وآله «الکذب ینقص الرزق» (ری شهری، ۲۶۷۸/۳); دروغ گفتن روزی انسان را کم می‌کند.

ابعاد پارادایم با محوریت فقر	آیات و روایات مرتبط	مقوله‌های محوری
شرایط زمینه‌ای فقر	(مریم، ۲۵)، (المائدة، ۶۴)، (یس، ۴۷)، (الزخرف، ۳۲)، (نحل، ۵۶)، (فاطر، ۲۹)، (معارج، ۲۴ و ۲۵)، (الذاریات، ۱۹)، (الفجر، ۱۵-۲۰)، (ابراهیم، ۷)، (عاملی، ۵۸/۱)، (مجلسی، ۳۵۰/۷)، (ابن ابی‌الحدید، ۲۰/۲۵۹)، (شریف رضی، خطبه ۱۴۳) (آمدی، ۱۱۰/۴)، (حرّانی، ۲۵۵)، (وسائل الشیعه، ۳۰۱/۱۵)، (محدث نوری، ۱۹۵/۱۵)، (مجلسی، ۱۶۱/۹۶)، (مجلسی، ۸۴/۷)، (ری شهری، ۲۶۷۸/۳);	✓ بسترهای فکری: عدم توجه به رزق مقدر، و وسائط رزق، عدم باور به تقسیم روزی، عدم توجه به حق دیگران در روزی، عدم توجه به آزمون الهی، دیدگاه نادرست نسبت به دنیا و آخرت ✓ بسترهای عملکردی: ارتکاب گناه، کفران نعمت‌های الهی، خیانت، ترک صله رحم، ولخرجی، حرام‌خواری، دروغگویی، حرص ورزی، بی‌توجهی به نیازمندان

جدول ۴- مقوله‌های محوری بعد پارادایمی شرایط زمینه‌ای فقر

۷- پیامدهای فقر در قرآن و روایات

نظریه فقرزدایی اسلام به پیامدهای فقر در جامعه نیز می‌پردازد. این پیامدها را می‌توان دسته‌بندی نمود:

پیامدهای اجتماعی: دسته مهمی از پیامدهای فقر، پیامدهای اجتماعی هستند. این پیامدها موجب می‌شود فرد فقیر در جامعه به واسطه آثاری که فقر در سطح و سبک زندگی به جا می‌گذارد مورد بی‌توجهی، بی‌مهری و حتی تبعیض قرار بگیرد و شان انسانی او لگدمال شود. انزوا، ناتوانی و غربت، ذلت و خواری، بدبینی مردم، تحقیر، از جمله واکنشهای منفی اجتماعی است که دامنگیر فقرا می‌شود. آنها به علت فقدان منزلت اجتماعی دچار آسیبهای مختلف روانی، و اخلاقی می‌شوند. در زیر برخی آیات و روایات پیامدهای اجتماعی فقر مرور می‌شود:

براساس آیه ۷۹ سوره توبه یکی از آثار فقر، استهزاء و تحقیر توسط دیگران است. کسانی که خود را از نظر مالی برتر می‌بینند، به فقیران اهانت کرده و تحقیر می‌کنند و استهزا نسبت به آنان روا می‌دارند:

«الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» یعنی آن کسانی که عیب‌جویی می‌کنند بر آن مؤمنانی که به صدقات مستحب فقیران را دستگیری می‌کنند و همچنین مسخره می‌کنند مؤمنانی را که از اندک چیزی که مقدور آنهاست هم (در راه خدا) مضایقه نمی‌کنند، خدا هم آنها را البته مسخره و مجازات می‌کند و به آنها عذابی دردناک خواهد رسید.

در کلام امام علی(ع) نیز از پیامدهای اجتماعی فقر آن است که فقرا جایگاه اجتماعی پایینی در جامعه پیدا می‌کنند و منزلت اجتماعی آنها آسیب می‌بیند: الفقير حقير لا يسمع كلامه ولا يعرف مقامه یعنی فقیر در چشم مردم بی‌مقدار است؛ نه سخنش شنیده می‌شود و نه جایگاهش شناخته می‌شود (شریف رضی، حکمت ۴۴).

فقر موجب می‌شود آدمی در زادگاه خود، احساس غریب بودن داشته باشد و مانند غریبه‌ها با او برخورد کنند: الْفَقْرُ فِي الْوَطَنِ غُرْبَةٌ؛ فقر در زادگاه، غربت است. (شریف رضی، حکمت ۵۶).

همچنین در حدیثی دیگر از معصومین به پیامدهای منفی فقر مانند تحقیر شدن در

جامعه و منزلت پایین اجتماعی به نیکویی اشاره شده است: «فرزندم! آدم فقیر، حقیر است. سخنش خریدار ندارد و مقام و مرتبتش شناخته و دانسته نمی‌شود. فقیر اگر راستگو باشد، او را دروغگو می‌نامند و اگر زاهد و دنیاگریز باشد، نادانش می‌خوانند.» (شعیری، ۸۱۸/۳۰۰).

براساس همین پیامدهای اجتماعی فقر است که امام علی(ع) از خداوند می‌خواهد که با توانگری آبرویش را حفظ و با فقر و بینوایی جاه و شکوه او را تباه نکند: «اللَّهُمَّ صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ وَلَا تَبْذُلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ، فَاسْتَزِقْ طَالِبِي رِزْقِكَ وَاسْتَعِظْ شِرَارَ خَلْقِكَ، وَابْتَلِي بِحَمْدٍ مَنْ أَعْطَانِي وَأُفْتِنَ بِذَمٍّ مَنْ مَنَعَنِي، وَأَنْتَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ كُلِّهِ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ وَالْمَنْعِ»، «إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». «بار خدایا، به توانگری، آبرویم را حفظ کن و مکاتمت را به بینوایی تباه منماید که از روزیخواران تو روزی خواهم، یا از مردم بدکردارت مهربانی جویم و یا به ستایش کسانی، که به من چیزی بخشیده‌اند، مبتلا گردم و یا به نکوهش کسانی، که مرا محروم داشته‌اند، فریفته شوم. سرانجام، تویی که می‌توانی ببخشی و می‌توانی نبخشی که تو بر هر چیز توانایی.» (شریف رضی، خطبه ۲۲۵).

در کنار تلاش مکتب اسلام برای فقر زدایی، برای جلوگیری از تنزل اجتماعی فقرا احادیث مختلفی در نکوهش تحقیر کردن فقرا ذکر شده است. از آنجمله در حدیثی از پیامبر، تحقیر کنندگان و تمسخرکنندگان فقرا با رسوایی در روز قیامت مجازات خواهند شد: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: مَنْ اسْتَدَلَّ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ حَقَرَهُ لِفَقْرِهِ أَوْ قَلَبَ ذَاتَ يَدِهِ، شَهَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَفْضَحُهُ؛ هر کس مرد یا زن مؤمنی را به سبب تهیدستی یا اندک بودن مال و دارایی‌اش خوار شمارد یا تحقیر کند، خداوند متعال در روز قیامت او را (بدین کار زشتش) شهره و سپس رسوایش سازد. (مجلسی، ۴۴/۷۲، ری شهری، ۴۵۲).

همچنین تاکید شده است که تحقیر فقرا و مقاومت در برابر سخنان حق به بهانه فقر آنها، عاملی برای تداوم کفرورزی آنها بوده است. بر این اساس نه تنها فقر بلکه حتی غنا نیز می‌توان عاملی برای عناد باحق باشد. این مساله در آیه ۲۷ سوره هود مورد اشاره قرار گرفته است: «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا تَرَاكَ إِلَّا

الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّىِ الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ؛ پس سران و ثروتمندان قومش که کافر بودند گفتند: ما تو را جز بشری مثل خود نمی‌بینیم و جز جماعتی از فرومایگان فقیر و ندار ما کسی تو را پیروی و شما را بر ما امتیازی نیست بلکه شما را دروغگو م‌دانیم.

پیامدهای روانی: فقر به علت تهدید جایگاه اجتماعی فرد پیامدهای روحی و روانی برای فرد به همراه دارد. در گفتمان اسلامی به پیامدهای دهشت عقل و احساس مرگ و بیهودگی ناشی از فقر اشاره شده است. امام علی(ع) بر اساس همین پیامدهای فقر، آن را مرگ بزرگ تلقی می‌کند: الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ؛ فقر، مرگ بزرگ است. (شریف رضی، حکمت ۱۶۳). همچنین در حدیثی از پیامدهای فقر سستی در یقین و کاستی در خرد ذکر شده است (شعیری، ۸۱۸/۳۰۰).

پیامدهای اخلاقی: فقر می‌تواند بستری برای روی آوردن انسانها به بی‌عفتی و انحراف اخلاقی باشد. وقتی فرد به علت پیامدهای اجتماعی فقر جایگاه اجتماعی خود را از دست بدهد و از نظر روحی و روانی تحت فشار قرار بگیرد، ارتکاب بی‌عفتی و روی آوردن به انحراف اخلاقی قابل پیش بینی خواهد بود. در برخی احادیث تاکید شده است که فقر می‌تواند عاملی برای افزایش خطاها باشد:

● کسی را که در پی تحصیل خوراک روزانه خود است، سرزنش مکن؛ زیرا کسی که قُوت خود را نداشته باشد، خطاهایش بسیار است. (شعیری، ۸۱۸/۳۰۰).

● لَا تَلُمِ إِنْسَانًا يَطْلُبُ قُوتَهُ فَمِنْ عَدَمِ قُوتِهِ كَثُرَ خَطَايَاهُ «فرزندم، انسانی را که به دنبال روزی خویش است ملامت مکن، زیرا کسی که هیچ نداشته لغزشهایش بسیار خواهد شد». (محدث نوری، ۱۴/۱۳)

در حدیثی دیگر از آثار فقر، کمی شرم و حیا عنوان شده است (شعیری، ۸۱۸/۳۰۰). که این خصلت فرد را در معرض انحراف اخلاقی قرار می‌دهد؛ چرا که نیروی کنترل درونی که مانع از انجام جرم و گناه می‌شود در فرد تضعیف می‌شود.

پیامدهای اخلاقی فقر حتی در محیط اداری نیز می‌تواند باعث فساد مالی و دزدی از بیت‌المال بشود. بر اساس این پیامدهای فسادزای فقر امام علی (ع) در نامه‌ای اشاره می‌کند که فقر می‌تواند عاملی برای فساد اداری باشد و حقوق کافی کارکنان دولتی می‌تواند یکی از موانع وقوع این نوع فسادها باشد: «حقوق کافی به آنها بده! زیرا این کار، آنها را در اصلاح خویش تقویت می‌کند، و از خیانت در اموالی که زیردست آنها است، بی‌نیاز می‌سازد.» (شریف رضی، نامه ۵۳).

فقر می‌تواند مانع از ازدواج و تشکیل به موقع خانواده گردد و آسیب‌های اجتماعی را تشدید کند. خداوند در آیه ۳۳ سوره نور به آثار فقر در تاخیر ازدواج و بی‌عفتی اخلاقی در جامعه هشدار می‌دهد. بر این اساس از فقرا می‌خواهد در شرایط فقر که ناتوان از انجام ازدواج و زناشویی هستند خود را گرفتار بی‌عفتی نکنند و عفت پیشه کنند: «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» یعنی «و آنان که وسیله نکاح نیابند باید عفت نفس پیشه کنند تا خدا آنها را به لطف و فضل خود بی‌نیاز گرداند».

پیامدهای دینی: از نتایج مهم فقر که در روایات بر آن بسیار تاکید شده کفر و بدگمانی به خدا و ضعف اعتقادی است. کسی که نتواند نیازهای اولیه خود را برآورده سازد از نظر اعتقادی نیز در معرض تهدید است. در آیه ۱۶ سوره فجر به صورت ضمنی به این اثر مهم فقر یعنی بدگمانی به خدا اشاره شده است: «وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ»؛ اما زمانی که وی را می‌آزماید و روزی‌اش را بر او تنگ می‌گرداند می‌گوید پروردگارم مرا خوار کرده است. (الفجر، آیه ۱۶).

پس، از نظر قرآن، کسی که دچار فقر می‌شود ممکن است احساس نومیدی کرده و به خدا بدگمانی روا دارد. این بدگمانی زمینه‌ای برای ورود او به کفر فراهم می‌کند. او فراموش می‌کند که خداوند فقر و غنا را به عنوان یکی از شیوه‌های آزمون و ابتلا ذکر نموده است: «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ»؛ اما انسان هنگامی که پروردگارش وی را می‌آزماید و عزیزش می‌دارد و نعمت فراوان به او می‌دهد می‌گوید پروردگارم مرا گرامی داشته است (الفجر، آیه ۱۵).

فقر پایه‌های اعتقادی جامعه را سست می‌کند. این مساله در وصیت امام علی(ع) به محمد بن حنفیه مورد تاکید قرار گرفته است: لَا بَنِي مُحَمَّدٍ الْحَنْفِيَّةِ: يَا بُنَيَّ، إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ؛ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنَقَصَةٌ لِلدِّينِ...؛ به فرزندش محمد بن حنفیه:- فرزندانم! من از فقر و ناداری برای تو بیمناکم. پس، از آن به خدا پناه بر؛ زیرا که فقر باعث کاستی در دین است (شریف رضی، حکمت ۳۱۹؛ ری شهری، ۴۴۸).

همچنین در روایاتی مشهور، فقر زمینه و بستری مهم برای کفر تلقی شده است: "كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا؛ فقر، انسان را در آستانه کفر قرار می‌دهد. (شیخ صدوق، ۱۲/۱؛ مجلسی، ۲۹/۷۲).

در حدیثی دیگر از پیامدهای مهم فقر شکنندگی در دین ذکر شده است (شعیری، ۸۱۸/۳۰۰).

ابعاد پارادایم با محوریت فقر	آیات و روایات مربوطه	مقوله‌های محوری	نمودهای عینی
پیامدهای فقر	آیات قرآنی: (الفجر، ۱۶)؛ (الفجر، ۱۵)؛ (النور، ۳۲)؛ (هود، ۲۷)، (التوبه، ۷۹). روایات: (شریف رضی، حکمت ۴۴، ۵۶، ۱۶۳)، (شریف رضی، خطبه ۲۲۵)، (شریف رضی، نامه ۵۳)، (ری شهری، ۴۴۸)، (شیخ صدوق، ۱۲/۱)؛ (شعیری، ۸۱۸/۳۰۰)، (محدث نوری، ۱۴/۱۳)، (مجلسی، ۲۹/۷۲)، (مجلسی، ۴۴/۷۲)	پیامدهای اجتماعی	فقدان منزلت اجتماعی دشمنی‌زایی واکنش‌های اجتماعی منفی مانند تحقیر؛ ذلت و خواری؛ غربت در میان خویشان؛ بدبینی مردم ناتوانی و غربت انزوای سیاسی
		پیامدهای دینی	کفر و بدگمانی به خدا ضعف اعتقادی
		پیامدهای روانی	دهشت عقل احساس مرگ و بیهودگی
		پیامدهای اخلاقی	افزایش لغزشها بی‌عفتی و بی‌حیایی انحراف اخلاقی فساد اداری

جدول ۵- مقوله‌های محوری بعد پارادایمی پیامدهای فقر

۸- راهبردهای فقر زدایی بر مبنای آیات و روایات

اسلام برای کنترل فقر و فقرزدایی در جامعه راهبردهایی ارائه نموده است. برخی از این راهبردها جنبه فردی و برخی جنبه اجتماعی دارد:

راهبردهای فردی: ریشه فردی فقر در کاهش انگیزه‌های تلاش برای کسب روزی حلال، کاهش اعتماد دیگران برای پیشرفت شغلی و طی مدارج شغلی بالا؛ و فرصت‌های جدید و بهتر شغلی برای فرد است. بر این اساس در گفتمان اسلامی، امانتداری، پرهیزگاری و استغفار، فروتنی و اخلاق پسندیده، مهاجرت و سفر از جمله راهبردهای فردی انگیزشی و فرصت‌زا برای پیشرفت شغلی و کاهش فقر است.

در زیر مستندات برای راهبردهای فردی فقر زدایی از آیات و روایات ذکر می‌شود:

● دادن صدقه: اذا أملتكم فتاجروا الله بالصدقه؛ هر گاه تنگدست شدید با دادن صدقه با خدای تعالی سودا کنید (شریف رضی، کلمات قصار ۲۵۰)

● دادن صدقه: استنزلوا الرزق بالصدقه؛ روزی را به صدقه دادن فرود آورید (شریف رضی، کلمات قصار ۱۳۲)

● امانت داری: اداء الامانه مفتاح الرزق؛ امانتداری کلید روزی است (ابن ابی الحدید، ۳۱۸/۲۰).

● خوش خلقی: سعه الاخلاق کیمیاء الارزاق؛ کیمیای روزی در خوش اخلاقی است یعنی خوش خلقی باعث فراخی روزی گردد. (ابن ابی الحدید، ۳۱۹/۲۰).

● مهاجرت: در آیه ۱۰۰ سوره نساء به آثار مهاجرت برای آسایش و گشایش در امور زندگی اشاره شده است: «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (النساء، ۱۰۰)، «و هر کس در راه خدا (از وطن خویش) هجرت کند در زمین برای آسایش و گشایش امورش جایگاه بسیار خواهد یافت، و هرگاه کسی از خانه خویش برای هجرت به سوی خدا و رسول بیرون آید و در سفر، مرگ وی فرارسد اجر و ثواب چنین کسی بر خداست و خدا پیوسته آمرزنده و مهربان است.»

بر این اساس مهاجرت یکی از شیوه‌هایی است که می‌توان زمینه‌ها و فرصت‌های جدیدی در اختیار فرد قرار داده و موجب گشایش زندگی او شود و او را در رهایی از فقر کمک کند.

● ازدواج: یکی از نکات مورد توجه اسلام، هراس از ازدواج به خاطر فقر و تبعات منفی آن بر آینده معیشت خانوادگی است. بر اساس آیه ۳۲ سوره نور، فقر، نباید مانع اقدام در امر ازدواج شود. در صورت فقر، به ازدواج اقدام کنید و بر خدا توکل نمایید. فقر، برای عروس و داماد عیب نیست. خداوند، تأمین زندگی عروس و داماد را وعده داده است و ازدواج، وسیله وسعت و برکت زندگی است. (تفسیر نور، ۱۸۳/۶) «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (النور، ۳۲) یعنی «و البته باید مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر و کنیزان و بندگان شایسته خود را به نکاح یکدیگر درآورید، اگر آن مردان و زنان فقیرند خدا به لطف و فضل خود آنان را بی‌نیاز و مستغنی خواهد فرمود و خدا رحمتش وسیع و نامتناهی و (به احوال بندگان) آگاه است.»

بر این اساس بر خلاف تصور، ازدواج می‌تواند عاملی برای گشایش و وسیله وسعت و برکت زندگی باشد. فرد پس از ازدواج انگیزه بیشتری برای تلاش در جهت کسب روزی حلال خواهد داشت و روزه‌های جدیدی برای روزی در این تلاش به روی زوجین باز خواهد شد. راهبردهای اجتماعی: علاوه بر راهبردهای فردی، اسلام به راهبردهای اجتماعی از جمله توزیع عادلانه ثروت جامعه، انفاق و صدقه، اطعام فقیر و مسکین در جهت کاهش فقر در جامعه تاکید دارد. برخی از این راهبردها در دستورات اقتصادی اسلام در قالب فروعی مانند خمس و زکات نمود یافته است. آیه ۷ سوره حشر به صراحت به توزیع عادلانه ثروت به عنوان یکی از راهکارهای فقرزدایی اشاره دارد: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ». یعنی

«آنچه را خداوند از اهل آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، پس برای خدا و برای رسول و برای خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا (این اموال) تنها میان ثروتمندان شما در گردش نباشد و آنچه پیامبر برای شما آورده، بگیرید و آنچه شما را از آن بازداشته، ترک کنید و از خدا پروا کنید که خداوند، سخت کیفر است». (الحشر، آیه ۷)

در زیر برخی دیگر از مستندات قرانی و روایی راهکارهای فقر زدایی ذکر شده است:

● **زکات:** زکات مشهورترین واجب مالی در شریعت مقدس اسلامی و از احکام ضروری نزد مسلمانان است. در آیات متعددی که بعضی در مکه و برخی در مدینه نازل شده‌اند از زکات نام برده شده است. خداوند در قرآن کریم وجوب گرفتن زکات را توسط پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بیان کرده می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (التوبه، ۱۰۳) تو از اموال مؤمنان صدقات را دریافت دار که بدان صدقات نفوس آنها را پاک و پاکیزه می‌سازی و رشد و برکت می‌دهی، و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب تسلی خاطر آنها شود و خدا شنوا و داناست.

و در آیه ای دیگر مصارف آن را بیان نموده می‌فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ». (التوبه ۶۰)

بنابر مفاد این آیه فقیران و مساکین مهمترین مورد مصرف این منبع مالی مهم هستند و این دستور الهی راهکاری اجتماعی در جهت فقرزدایی است.

● **خمس:** دومین واجب مالی مشهور مسلمانان، خمس است. گرچه در دایره شمول آن میان مذاهب مهم اسلامی اختلاف نظر است. اصل وجوب خمس در مدینه نازل شده، خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (الانفال، ۴۱). و (ای مؤمنان)

بدانید که هر چه غنیمت و فایده برید خمس آن خاص خدا و رسول و خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه سفر ماندگان (از خاندان او) است، اگر به خدا و به آنچه بر بنده خود (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) در روز فرقان، روزی که دو سپاه (اسلام و کفر در جنگ بدر) روبرو شدند نازل کرده‌ایم ایمان آورده‌اید، و خدا بر هر چیز تواناست».

از نکات تفسیری مهم این آیه آن است که اسلام، مالکیت اشخاص حقوقی را پذیرفته است و محرومیت زدایی، از برنامه‌های اسلام است و باید از ثمره‌ی جهاد و غنائم به سود فقرا گام برداشت. نشانه‌ی ایمان کامل، خمس دادن است. بعد از بیان ایمان، عبادت، هجرت و جهاد می‌فرماید: **لِلَّهِ خُمُسُهُ ... إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ ...** بنابراین خمس، واجب دائمی مستمر است، نه موسمی و موقت، چون شرط ایمان است. (قرائتی، ۱۳۸۳) و این نشانه عزم دایمی اسلام در فقرزدایی است.

● اتفاق: آیه ۱۰ سوره منافقون بر انفاق تاکید دارد: **«وَأَنْفَقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ»** و از آنچه روزی شما کرده‌ایم انفاق کنید پیش از آنکه مرگ به سراغ هر یک از شما آید، پس (در آستانه رفتن) گوید: پروردگارا چرا (مرگ) مرا تا مدتی اندک به تأخیر نیانداختی تا صدقه (و زکات) دهم و از صالحان گردم. (المنافقون، ۱۰).

● اطعام فقرا: آیات ۴۳-۴۷ سوره مدثر اطعام فقرا و مساکین در کنار برپایی نماز ذکر شده است. به این معنا که دوزخیان را افرادی توصیف نموده است که به برپایی نماز و اطعام مساکین بی تفاوت بوده‌اند: **«قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ»**. یعنی گویند: ما از نمازگزاران نبودیم. و افراد مسکین را اطعام نمی‌کردیم و با اهل باطل در سخنان باطل فرو می‌رفتیم. و پیوسته روز جزا را تکذیب می‌کردیم تا آن که مرگ به سراغ ما آمد. (المدثر، ۴۳-۴۷).

در کنار این راهبردها ذکر نکته‌ای بسیار ضروری است و آن مقاومت در برابر فشارهایی است که دشمنان اسلام در جهت به تسلیم و داشتن مومنان انجام می‌دهند که

مهمترین آنها فقر و تنگدستی است. اگر فقر و تنگدستی در نتیجه حفظ آرمانهای دینی و عدم پیروی و اطاعت از کفار بوجود آید، در این صورت نباید به خاطر ترس از تنگدستی و فقر تن به اطاعت و ارتباط با ذلت به آنها داد؛ چراکه خداوند از فضل خویش مومنان را بی نیاز خواهد کرد. این درسی است که آیه ۲۸ سوره توبه به ما داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنِ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قطعاً مشرکان، پلید و ناپاکند، پس بعد از این سال نباید به مسجدالحرام نزدیک شوند و اگر (به خاطر راندن کفار و قطع داد و ستد) از فقر و تنگدستی می‌ترسید، پس به زودی خداوند اگر بخواهد از فضل خویش شما را بی‌نیاز خواهد کرد، قطعاً خداوند آگاه و حکیم است. (التوبه ۲۸).

ابعاد پارادایم با محوریت فقر	آیات و روایات مرتبط	مقوله‌های محوری
راهبردهای فقرزدایی	آیات: (الحشر، ۷)؛ (المنافقون، ۱۰)؛ (المدثر، ۴۳-۴۷)؛ (التوبه، ۱۰۳، ۶۰، ۲۸)؛ (النور، ۳۲)؛ (النساء، ۶)؛ (النساء، ۱۰۰)؛ (الانفال، ۴۱) روایات: (شریف رضی، کلمات قصار ۲۵۰)، (شریف رضی، کلمات قصار ۱۳۲)؛ (ابن ابی الحدید، ۲۰/۳۱۸)، (ابن ابی الحدید، ۲۰/۳۳۹)، (حرانی، ۲۵۵)، (ابن ابی الحدید، ۲۰/۲۵۹)، (شریف رضی، خطبه ۱۴۳).	راهبردهای ✓ فردی ✓ اجتماعی

جدول ۶- مقوله‌های محوری بعد پارادایمی راهبردهای فقرزدایی

۹- بررسی تطبیقی نظریه فقرزدایی اسلام با نظریه‌های متداول فقر

مکاتب غیرالهی نیز تلاش نموده‌اند تا به زعم خود برای مقابله با فقر و فقرزدایی، برنامه و راهکار ارایه نمایند. در هیچ مساله‌ای مانند فقر و مطروذیت اجتماعی تقابل نظریه‌های سیاسی چپ و راست بارزتر نیست. در این باب پنج نظریه اصلی را می‌توان رصد نمود:

نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی: این نظریه در جناح راست فقر را پدیده‌ای رفتاری یا بیمارگونه و آسیب‌شناختی تلقی می‌کند. این نظریه فقر را به تبلی و بی‌کاره بودن و عوامل ژنتیکی و موروثی منتسب می‌کند.

نظریه فرهنگ فقر: این نظریه در جناح راست به فرهنگ فقر اشاره می‌کند که در چرخه محرومیت از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد. بر این اساس ارزشها و انتظارات اجتماعی که افراد با آنها از دوره کودکی بزرگ می‌شوند آنها را به تنبلی و عدم خلاقیت وا می‌دارد که نتیجه آن فقر است.

نظریه شکست سیاستها: این نظریه به جای سرزنش فقرا به ناکارآمدی سیاستها و نهادها در توزیع درآمدها اشاره دارد.

نظریه محدودیتهای ساختاری: این نظریه در جناح چپ بر محدودیتهای ساختاری اشاره دارد. یعنی سرنوشت جامعه عمدتاً از سوی نیروهای تعیین می‌شود که خارج از کنترل افراد یا گروه‌ها قرار دارند. در این رویکرد فقر حاصل محدود بودن اقدامات جمعی است. به این معنا که این محدودیتها موجب می‌شود همیشه نیازهای ثروتمندان جامعه در اولویت قرار گیرد.

نظریه کارکردگرایی: این نظریه، پالایشی از نظریه محدودیتهای ساختاری است که می‌گوید فقر برای سرمایه داری کارکرد دارد. به عبارت دیگر فقر نوعی استراتژی است که وجود دارد تا رفاه سرمایه داری بتواند وجود داشته باشد (فیتزپاتریک، ۱۸۴-۱۹۰).

نظریه فقرزدایی اسلام در مقایسه با پنج نظریه اصلی فقر برتری‌های نظری و علمی دارد. نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی توصیفی فردگرایانه و یا زیست‌شناختی از فقر ارایه می‌کند؛ در صورتی که در نظریه فقرزدایی اسلام هم بر عوامل فردی و هم عوامل اجتماعی تاکید می‌شود. برای مثال هر چند در عوامل فردی به تنبلی و عدم پشتکار افراد در ایجاد فقر تاکید می‌شود؛ اما همچنین به عوامل اجتماعی ایجاد فقر همانند توزیع ناعادلانه ثروت و انحصار ثروت در دست توانگران و ثروتمندان نیز تاکید می‌شود.

همچنین نظریه فرهنگ فقر علل فقر را به فراموشی می‌سپارد. همچنین بر خلاف تصور این نظریه، فرهنگ وابستگی و تنبلی به صورت فرهنگی غالب و کلی در پژوهش‌ها مورد تایید قرار نگرفته است. در نظریه فقرزدایی قرآن هیچ فرهنگی با برجسب تنبل و مولد فقر معرفی نشده است. نظریه قرانی به بسترها و شرایط مداخله گر فقر در دو بعد ساختار و

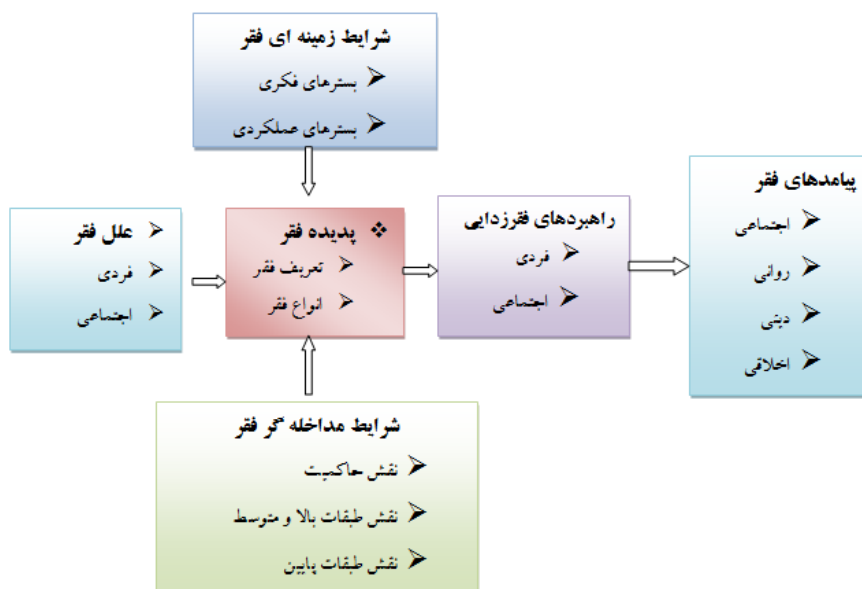
عاملیت اشاره دارد. ساختارهای فکری مانند دیدگاه نادرست نسبت به دنیا و آخرت، عدم توجه به رزق مقدر، و وسائط رزق، عدم باور به تقسیم روزی، عدم توجه به حق دیگران در روزی، عدم توجه به آزمون الهی و ساختارهای عملی مانند کفران نعمت‌های الهی، حبس مال و خیانت، و بخل ورزیدن به مال بستری است که زمینه فقر را فراهم می‌کنند. در عاملیت نیز وجود افرادی که با عملکرد خود فقر را تشدید می‌کنند مد نظریه اسلام است. در سطوح بالایی و حاکمیتی عملکرد حاکمان و والیان در ثروت اندوزی، در سطوح طبقات بالا و متوسط احتکار و ربا خواری و در سطوح پایین جامعه تکدی گری نیازمندان به جای تلاش در جهت کسب روزی حلال به تشدید فقر کمک می‌کنند.

نظریه شکست سیاستها نیز به دلیل در نظر نگرفتن کمبودهای ذاتی فقرا و غفلت از محدودیتهای ساختاری ایجاد کننده فقر در معرض انتقاد است. نظریه فقرزدایی اسلام با درک نیازهای ذاتی فقرا تلاش می‌کند ساختارهایی بنیان بگذارد که فقرا در تله حمایت ناخواسته از ثروتمندان و تشدید فقر خود نشوند.

دیدگاه کارکرد گرایی و محدودیتهای ساختاری به این علت در معرض انتقاد هستند که انفعال و بی تحرکی و جبرگرایی و اعتقاد به تقدیر را تشویق می‌کنند. در صورتیکه نظریه فقرزدایی اسلام با جبرگرایی مخالف است و راهبردهای فردی و اجتماعی اسلام در مبارزه با فقر نیز نشان می‌دهد اسلام انسانها را برای فقرزدایی تشویق و ترغیب می‌کند.

نتایج مقاله

۱- این پژوهش جستاری بود در نظریه فقرزدایی قران و روایات که به شیوه پژوهش زمینه‌ای به انجام رسیده است. نتایج این جستار در قالب مدل پارادایمی در نمودار ۱ خلاصه شده است.



نمودار ۱- مدل پارادایمی نظریه فقرزدایی بر اساس قرآن و روایات

۲- از دیدگاه قرآن و روایات فقر یک پدیده نامطلوب اجتماعی است که با دلایل فردی و اجتماعی نیازمند مبارزه و تلاشی همه جانبه است.

۳- تعریف فقر در قرآن و روایات با وجود شباهت با تعاریف دیگر مکاتب بشری در این اصل مهم که مقابله با فقر با محوریت باور به توحید قرار دارد و خدا غنی و بی نیاز از همه است از تعاریف دیگر متمایز است.

۴- در نظریه فقرزدایی قرآن و روایات به دو دسته علت‌های فردی و اجتماعی در ایجاد فقر اشاره شده است. در این میان تنبلی و عدم پشتکار افراد به عنوان عامل فردی و توزیع ناعادلانه ثروت در میان افراد جامعه و انحصار ثروت در دست توانگران و ثروتمندان به عنوان عوامل اجتماعی اشاره شده است.

۵- نظریه اسلام به شرایطی مانند احتکار، ربا خواری، و ثروت اندوزی حاکمان و تکدی‌گری که با دخالت در توزیع عادلانه ثروت در جامعه و کاهش انگیزه‌های تلاش برای کسب روزی به تشدید فقر در جامعه منتهی می‌شود به عنوان شرایط مداخله‌گر اشاره

می‌کند. همچنین اشاره می‌شود وقتی بسترهای فکری افراد جامعه بر عدم توجه به آزمونهای الهی و شناخت رزق مقدر، و وسائط رزق و عدم توجه به حق دیگران در روزی استوار باشد عملکرد آنها بر خداپاوری متکی نخواهد بود. این تفکر غیرالهی به مساله رزق و روزی موجب اشاعه گناه، کفران نعمت‌های الهی، خیانت، و حبس مال خواهد شد که نتیجه آن گسترش فقر در جامعه است.

۶- اسلام برای کنترل فقر و فقرزدایی در جامعه راهبردهایی فردی و اجتماعی ارائه نموده است. در نظریه اسلام برای افزایش انگیزه‌های تلاش برای کسب روزی حلال، اعتماد دیگران برای پیشرفت شغلی و طی مدارج شغلی بالا؛ و فرصت‌های جدید و بهتر شغلی برای فرد، راهکارهایی اخلاقی چون امانتداری، پرهیزگاری و استغفار، فروتنی و اخلاق پسندیده، و راهبردهای عملکردی مانند مهاجرت و سفر ارایه نموده است. در کنار این راهبردهای فردی، به راهبردهای اجتماعی از جمله توزیع عادلانه ثروت جامعه، انفاق و صدقه، اطعام فقیر و مسکین نیز پرداخته شده است.

۷- نظریه فقرزدایی اسلام به پیامدهای فقر در جامعه نیز شامل پیامدهای اجتماعی، اخلاقی، روانی و دینی می‌پردازد. پیامدهای اجتماعی نتیجه آثاری است که فقر در سطح و سبک زندگی فقرا به جا می‌گذارد. بر این اساس فقرا مورد بی‌توجهی، بی‌مهری و حتی تبعیض قرار گرفته و شان انسانی آنها لگدمال می‌شود. آنها به علت فقدان منزلت اجتماعی دچار آسیبهای مختلف روانی، اخلاقی و دینی می‌شوند. فقر می‌تواند بستری برای روی آوردن انسانها به بی‌عفتی و انحراف اخلاقی باشد. از طرف دیگر کسی که نتواند نیازهای اولیه خود را برآورده سازد از نظر اعتقادی نیز در معرض تهدید است.

۸- نظریه فقر ستیزی اسلام در مقایسه با پنج نظریه اصلی فقر یعنی نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی، نظریه فرهنگ فقر، نظریه شکست سیاستها، نظریه محدودیتهای ساختاری و نظریه کارکردگرایی برتری‌های نظری و علمی دارد. نظریه قرانی برخلاف نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی فقط توصیفی یک جانبه مبتنی بر رویکرد فردگرایانه و یا زیست

شناختی از فقر ارایه نمی‌کند؛ رویکرد اسلام چند جانبه و جامع است و هم بر عوامل فردی و هم عوامل اجتماعی تاکید دارد. این نظریه همچنین بر خلاف نظریه فرهنگ فقر به جای برچسب‌زنی فرهنگها به ترویج فرهنگ تنبلی، به بسترها و شرایط مداخله‌گر فقر در دو بعد ساختار و عاملیت اشاره دارد. نظریه فقر در قرآن برخلاف نظریه شکست سیاستها با درک نیازهای ذاتی فقرا تلاشی در جهت ایجاد ساختارهای حمایتی از فقرا است که بدون گرفتار شدن در تله حمایت ناخواسته از ثروتمندان، راهکاری عملی برای فقرزدایی ارایه نماید. این رویکرد قرانی به فقر و غنا برخلاف دیدگاه کارکردگرایی و محدودیت‌های ساختاری رویکرد جبرگرایی و اعتقاد به تقدیر نیست؛ چرا که ارایه راهبردهای فردی و اجتماعی اسلام نشان دهنده عزم جدی گفتمان قرانی در فقرزدایی است. به عبارت دیگر بر خلاف مکاتب بشری، محوریت مکتب اسلام برای حل فقر به عنوان یکی از مسایل و مشکلات اجتماعی، نه حذف فقرا، بلکه مقابله با ذات فقر با شناسایی ریشه‌ها، بسترها و عوامل مداخله‌گر آن است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره)، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان‌العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۴. اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی أحكام القرآن، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ اول، بی‌تا.
۵. استراوس، انسلم و کوربین، اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک، محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
۶. استراوس، انسلم و کوربین، جولیت، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران، نشر نی، ۱۳۹۵.
۷. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۸. حرّانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ترجمه محمدصادق حسن‌زاده، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۴ق.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین، مفردات ألفاظ القرآن، سوریه، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۱۱. زاهدی، محمدجواد، توسعه و نابرابری، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۸۲.
۱۲. سعدی، ابو جیب، القاموس الفقہی لغة و اصطلاحاً، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
۱۳. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، قم، انتشارات دارالهجره، ۱۳۷۹.
۱۴. شعیری، تاج‌الدین، جامع الأخبار، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳.
۱۵. صاحب بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم‌الکتاب، ۱۴۱۴ق.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، خصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، قم، شریف رضی، ۱۳۷۰.
۱۸. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب‌العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۲۰. فیتزتریچ، تونی، نظریه رفاه، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران، گام نو، ۱۳۸۱.
۲۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.
۲۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۴. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان‌الحکمه، قم، درالحدیث، ۱۳۸۴.
۲۵. نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۸ق.
۲۶. واسطی زبیدی، محب‌الدین؛ حسینی، سیدمحمدمرتضی، تاج العروس من جواهرالقاموس، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر، ۱۴۱۴ق.

27. Goulding, C. Grounded Theory, A Practical Guide for Management, Business & Market Researchers, London, Sage Publications, 2002.